

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: مجموعه: شرح تفسیر المظهر و برهان المظهر

مؤلف

موضوع

شماره اختصاصی ( ۴۳ ) از کتب اهدائی: یکم زاره

کتاب

۲۱۵

۲۴۴  
۷

۳۵  
۲۱۵۴۱۹  
کتاب / ۱۵

۱۲۱  
۱۵  
۱۲۱

۲۴۳  
۲۳۱  
۷

۳۵  
۲۱۰۴۱۹  
۱۵

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		جمهوری اسلامی ایران
کتاب: تجرید: شرح بر صیغ النظم و رسائل در منطق		
مؤلف		شماره ثبت کتاب
موضوع		۲۱۵۴۱۹
شماره اختصاصی (کتاب)	از کتب اهدائی: یکم زاده	



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: مجمع البحرین المصنوع و رسائله

مؤلف

موضوع

شماره اختصاصی ( ۲۵ )

کتابخانه



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۱۵۴۱۹

۲۴۳

۳۵  
۲۱۵۴۱۹

۱۵  
۱۲  
۱۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
 هند ایلی  
 مستحق کتب دار  
 ۱۳۷۹

در این کتاب  
 از بنده و از بنده  
 و از بنده

بنده  
 بنده  
 بنده

۳۳۶  
 ۵

بنده است یا بیدار که از این فانی است  
 توفیق را از نصیب حق چو نمیدانند و اگر صورت خدا  
 را در هر آن نسبت ندانند است از آن تصور نخواهند  
 پس علم و عبارت از ادراک است منتهی باشد  
 در تصور و نصیب حق **حق** بر این معلوم نمی‌شود  
 پس هر کس می‌خواهد با حق و خواسته حق برسد  
 به است یا حق که مدبر است در تمام اشیاء  
 که کون و کلا را از اشیاء برآمده یا در او باشد  
 در این نیست چنین که اگر او را برآمده باشد  
 به است بر مافوق اشیاء که کون این  
 یا روح باشد یا فردی که در این نیست چنین  
 با وجود آن



بیت حین که این عدد را در پنج بند  
باید بنویسند و این بدین

پیکار

۱. این شخص را حیوان بنام این پس او را که  
حیوان و الفضا با یک باب و یک قصه  
باشد و از احکام نیز خوانند و او را که  
این قصه باشد و چهار قصه بنام او را که نسبت  
چهار است که هر یک یک باب و یک ناچار باشد  
او را که نسبت قصه اول قصه منسوب است  
۲. این را محکوم علیه خوانند و هر قصه منسوب به  
۳. این را محکوم به خوانند و هر قصه نسبت به این  
۴. این را قصه نسبت علیه خوانند و هر قصه در این  
با یک زیند قائم است ناچار باشد از این که محکوم  
علیه است و از قصه قائم محکوم به است و از این

نسبت

نسبت میان زیند و قیوم نسبت حکیم است  
تا بعد از این او را که آن نسبت بر وجه دیگر  
باشد و هر قصه پس هر قصه بنام منسوب  
باشد و هر قصه است و قصه محکوم علیه قصه  
محکوم به و قصه نسبت حکیم علیه است که محکوم  
از این قصه است و نه تفاهات که محقق جزو قصه  
نسبت علیه است و هر قصه بقصد **فصل**  
۵. این که قصه بر وجه نسبت به یا گفته در حصول وی  
اجتناب باشد بنظر و نظر است و هر قصه حرکات  
و برودت و سبب هر و سفید و بنفشه  
این قسم و قصه ضرر و اسباب هر خوانند

در هر یک از اینها که در این کتاب است  
 بهیچون نظیر روح و ملک و جن و غیره  
 و این قسم از نظیر و کسبی خوانند  
 و بر اینها نیز تصدیق در حق است  
 یا ضروری که محتاج بنظر و فکر باشد  
 یا بینه آفتاب روشن است و این کرم است  
 و نظیر اینها هم تصدیق نظیر و محاسن بنظر و فکر  
 باشد بهیچون تصدیق یا بینه صانع سبحان  
 و علیهم السلام است و غیر این **فصل**  
 از تصدیق نظیر از تصدیق ضروری و تصدیق نظیر  
 از تصدیق ضروری و تصدیق متبوعان که بطریق

نقد فخر و آن عبارت از تب تصویب  
 بالقدر یقائن صد بر وجهی که در کمال  
 نقد بر بالقدر یقین که صد نقصان حاصل  
 نقد خیر از ایا نقد ناطق حسب کمال و کمال  
 حیوان ناطق از اینها نقد است صد  
 نقیض باشد صد نقصان که نقد یقین باشد عالم  
 متغیر است و هر چه متغیر است حادث است  
 از اینها نقد یقین باشد عالم حادث است صد  
**فصل** است یا از امر از دیگر حیوانات  
 بابت که در حیوانات را از انعمیات نطفه  
 فخر حاصل می تواند که بخلاف سایر حیوانات



مصحح  
 خطي قلم  
 مراد الداعي  
 2 الف  
 بدالكه تصور  
 است تصور  
 وجمول  
 شناسنامه

3

مختار



دلائل اقسام دلائل بحکم استقراء است  
اول دلائل وضعیه که وضع را در سرحد خیریت است  
و این در الفاظ باشد چنانچه دلائل لفظیه زید در ذات  
و غیر الفاظ باشد چنانچه دلائل حفظیه و عقیده و اشارت  
و نصب بر شاخه از این نام معلوم که **دیسیم**  
دلائل عقیده بمقتضای عقیدت و این نیز در الفاظ باشد  
چنانچه دلائل لفظیه و نیز بسمع از در ای حصار و بر وجه لفظ  
و در غیر الفاظ نیز باشد چنانچه دلائل بوضع بر مبالغ  
و کسبیم دلائل طبیعی که این دلائل بمقتضای طبع  
و این در الفاظ یافت می شود چنانچه دلائل لاج برود  
سینه و در غیر الفاظ باشد حرکت بغض بصورت و فاد

بدن چون سنخ روی نخل در زرد روی نخل  
نخل عروق و دلائل بر وقت ضعف مزاج  
میکنند **فصل پنجم** در دلائل معجزه است دلائل  
لفظیه وضعیه است زیرا که افادات و استعارات  
معنی در مقام باین طریق است و این دلائل مختصر  
در مقام بقعه و لغت و التزام است در مقام بقعه دلائل  
لفظیه است بر تمام معنی موضوع له خود از آنجمله که تمام  
معنی موضوع له است پس چون دلائل لفظیه  
بر غیر حیوان ناطق و لغت دلائل لفظیه است بر غیر  
معنی موضوع له نخل از آن جهت که از آنجمله که  
است چنانچه دلائل لفظیه ان بر غیر حیوان تنها ناطق تنها

والتزام دلالت لفظ است بر خارج لازم منضم موضوع که  
از آنجمله آن خارج لازم موضوع له است چنانچه دلالت  
لفظ آن بر منضم قابل و صفت و کن است

**فصل** پوشیده نیست لفظ بر نام معنی  
موضوع له چنانچه مجرور وضع دلالت کند بر جزو موضوع له  
چنانچه نیز دلالت کند بر واسطه آنکه منضم هر مفعول  
جزو ممکن باشد لیکن دلالت بر خارج منضم موضوع له چنانچه  
مستلزم آن خارج موضوع له چنانچه را در ذم  
با منضم و انچه بر کبشی باشد هرگاه موضوع له در ذم  
صفت و اگر این چنین باشد آن لفظ را بر دلالت  
و التزام است و پیش اصحاب این فن دلالت

و ان

در منضم است و اما پیش علماء اصول و معانی  
بیان دلالت در الجملة که صفت پس لزوم عقاب  
ایشان شده است بلکه لزوم در الجملة پس سبب  
**و فصل** هرگاه موضوع له لفظ بیط باشد  
و او را لازم و منضم باشد این دلالت بر واسطه  
باشد به لفظ منضم و التزام لیکن دلالت لفظ منضم و التزام  
به واسطه صورت نه بند و از برای آنکه ایشان تابع  
و ضمند و هر جا که وضع باشد دلالت به واسطه است  
و اگر موضوع له بیط را لازم و منضم این دلالت  
الزام باشد به لفظ منضم و لفظ منضم چنانچه موضوع له  
لفظ مرکب باشد و او را لازم و منضم باشد این دلالت



تفسیر باشد به التبرام **فصل** لفظ را خبر از یک موضع و موضع دیگر  
است که گویند آن لفظ را حقیقه خوانند و چون  
در خبر از موضع که باضرب و در استوار کند از آن  
جایز خوانند و این احتیاج لغز نیست باید برای  
عدم از ادوات موضوع که **فصل** لفظ را  
چون یک موضع که باشد خبر از آن موضع گویند چنانچه  
از یاد باشد مشترک خوانند و در هر مرتبه خبر از یک  
چون لفظین و اگر لفظ از برای یک موضع باشد  
از آن مترادفین خوانند نه این و بشر اگر هر یک  
موضع که دیگر باشد علیها از آن میان خوانند چنانچه  
و در **فصل** لفظ از آن بر غیر لفظ بر می آید

از

رکب و مفرد مرکب آن باشد و خبر لفظ و دلالت کند  
بر جزو است و بعضی دلالت می کند بر خبر از آن  
و مفرد است که این چنین باشد و آن چهار قسم  
باشد یک آن لفظ خبر ندارد چون **فصل**  
است تمام حرم کند لفظ خبر دارد لیکن آن جزو  
دلالت بر غیر ندارد اصلاً خبر از یک جزو دارد  
و آن جزو دلالت دارد لیکن بر جزو غیر و دلالت ندارد  
چنانچه علی آن دلالت در دلالت علیه چهارم کند  
لفظ خبر دارد و آن حسبه و دلالت بر جزو معنی  
معصوم دارد لیکن دلالت بر جزو غیر معصوم مراد باشد  
چنانچه این نطق و حکم نفس آن نماید

اگر لفظ





نقد بی حکم نیست از اینجه احوال قصور است مقدم  
 در استیم **فصل** هر چه در ذهن منقوش شود اگر قصد  
 در عالم از وقوع سکریت بین گیرین باشد آنرا از  
 حقیقی خوانند چنان وقت بند و اگر تصور منوع باشد  
 آنکه از وقوع سکریت بین گیرین آنرا کمالی خوانند مانند  
 آن که هر یک از این کتب را در دل کمالی بخرد  
 اضافی وی خوانند و در شرافت  
 هر اخص است که او در تحت  
 اتم باد

۹  
 اتم باشد و بعد از آنکه در دهره حقیقی باشد چون  
 در دنیا بین آن است به و کمال باشد و از آن  
 لیکن چنانچه از آن کمال دیگر باشد چنانچه در دنیا  
**فصل** که در این کتاب است که حقیقت است  
 حقیقی تمام حقیقت است از خود باشد به حقیقت  
 از خود باشد یا خارج حقیقت است از خود باشد  
 اگر تمام حقیقت از خود باشد از آنجا که حقیقت است  
 آن که تمام است و به و کمال است که است از آن  
 در کمال که این است از آنجا که حقیقت است و در آن  
 حقیقت است از آنجا که حقیقت است از آنجا که حقیقت  
 از آنجا که حقیقت است از آنجا که حقیقت است





ابو اسحاق

[illegible]





اینست چهارم در رسم نفس آن در کتب پند در زمین  
 بیدار و متوجه جسم نامرناک و چنانچه در کتب  
 و در هر ملک در توفیق آن و شاید در رسم نفس  
 و کتب پند در نفس هم و گفته اند چون با هر ملک  
 در توفیق آن و این امر اول و عربیه معرفت  
 بجای آنکه در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر

و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر

و در هر ملک در توفیق آن و این امر



و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر

و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر  
 و در هر ملک در توفیق آن و این امر





در روز پنجشنبه روزا العید کلمه بر زبان گفتند  
میان محفل و موضع اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

مکرم علیه السلام میخوانند و مکرم بر آواز  
در وقت عزیمت موضع اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

خوانند و در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

بشد پس اوراق کتبت این یاد کرده آن قضیه را  
حکم خوانند و در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

کتابت این یاد کرده آن قضیه را مکرم خوانند  
و این چهار کلمه بر زبان گفتند و در وقت عزیمت

مکرم خوانند و در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

در وقت عزیمت  
مکرم خوانند

در وقت عزیمت  
مکرم خوانند

در علم کلام است اربع است **فصل** در علم کلام  
چهار در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

چهار در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

چهار در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

چهار در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

چهار در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

چهار در وقت عزیمت اوراق العید خوانند و در وقت عزیمت

در وقت عزیمت  
مکرم خوانند

فهم

الان في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون

والفردان في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون  
 في الاماكن التي بها لا يمكن ان يكون

فهم











والله اعلم بالصواب الموجه بحكمها القدر العرفي والبرهان  
بمسلك القدر العرفي سواء كان من القدر او كان  
من العرف والادراك العرفي لا يبرهن حكمها بحدودها العرفية  
مستغني عن معرفة ذلك مستند الى العرفه كقولها كان  
العلماء على ما في ذلك كقولها كان العلم على ما كان  
العلم على ما كان العرفه وهو امر عسير يستحق المقدمه  
كقولها على ما في ذلك كقولها كان العلم على ما كان  
فانها راجعه الى ما في العلم والادراك العرفي  
نحوها في العلم والادراك العرفي كان العلم على ما كان  
مستغني عن معرفة ذلك مستند الى العرفه كقولها كان  
العلم على ما كان العرفه وهو امر عسير يستحق المقدمه  
كقولها على ما في ذلك كقولها كان العلم على ما كان  
فانها راجعه الى ما في العلم والادراك العرفي

21

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

















نحوه من الموجبات تنعكس الى التامان والعامان  
حينئذ مطلقة والخاصتان حينئذ لا تامة والاولى

وان صدق في حق واحد من الجوان كان صدق في  
الجميع من حيث لا يشي مما انك بان في القوة او انه قد  
المعاشان من سيرة الامانة والوقرة انما من اذ هو في الامانة  
والوام في القوة في حق الامانة ما دام كان صدق في حق الامانة  
كأن الفعل من هو متحرك الامانة والاصح في القوة وهو ان لا يشي  
متحرك الامانة في حق الامانة مع الامانة في قول القوة او بالوام  
التي من حيث كانت الامانة كانت في القوة والامانة في سيرة  
الوقرة والوقرة تنعكس الى صيرورة طرفة سيرة الامانة والوام في القوة  
الى صيرورة الطرفة في حق صدق في التامان صدق في التامان وقد مر  
في صدق التامان صدق في طرفة صيرورة الطرفة والوام في صيرورة  
صدق في قول الصدق في صيرورة الطرفة في سيرة الامانة  
الاول من الامانة في حق القوة الامانة في حق الامانة في حق  
علا

والبيوت تبيان المطلقة العامة مطلقة عامة ولا  
عكس للمكتنين ومن السوال

تبيان التامان في حق القوة او بالوام كان صدق في حق الامانة  
كانت الامانة صدق في التامان من حيث لا يشي مما انك بان في القوة او انه قد  
المعاشان من سيرة الامانة والوقرة انما من اذ هو في الامانة  
والوام في القوة في حق الامانة ما دام كان صدق في حق الامانة  
كأن الفعل من هو متحرك الامانة والاصح في القوة وهو ان لا يشي  
متحرك الامانة في حق الامانة مع الامانة في قول القوة او بالوام  
التي من حيث كانت الامانة كانت في القوة والامانة في سيرة  
الوقرة والوقرة تنعكس الى صيرورة طرفة سيرة الامانة والوام في القوة  
الى صيرورة الطرفة في حق صدق في التامان صدق في التامان وقد مر  
في صدق التامان صدق في طرفة صيرورة الطرفة والوام في صيرورة  
صدق في قول الصدق في صيرورة الطرفة في سيرة الامانة  
الاول من الامانة في حق القوة الامانة في حق الامانة في حق  
علا





[illegible]

卷

5

[illegible]



[illegible][illegible][illegible]

والتحقيق في هذه المسألة هو الذي ينبغي أن يكون

1000

[illegible]

میرزا محمد

وہم ہستہا

2011

27



فصل الثاني قول مؤلف من قصائد الملاحمة  
قول مؤلف من

والمراحم الماسكهم  
من المراتم  
الالهيه

[illegible]

10

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript. The text is written in a cursive style and is somewhat faded. The page is numbered '10' in the top right corner.

هـ كان مذکور ایادیه و قبیلہ

[illegible][illegible]





الكلمة الموحية مع السابعة الكلية السابعة بالقرينة  
وفي الثاني اختلافها في كيف وكلمة الكبرى مع دوام التسمية  
والعكاس اليه الكبرى وكون الممكن مع الضرورة الكبرى

الحجج التي يملكها الخليفة الموحدين والقائم في المدينة المنورة سنة ١٢٨٠

فتح الصغرى الموحدة الحقة الموحدة مع الموحدة الموحدة

المختصين في العلم والادب

والنسخ الصور من الموصفان مع استعانة العبد المذنب

التقديرات والخرائط التي فيها

بمعرفة من يقرأه الفتيحة والمفتحة اشارة الى الترتيب

لا يصح الاحتجاج بما ليس في الكتاب من غير الاحتجاج بما هو في الكتاب

تفصيل 23 دل افقهها التبريد من هذا السجل

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة وهدى  
عز وجلت كبرياءه وعلو قدره وعلو قدره وعلو قدره

تاریخ السیاحه

الحكماء لهما في الثاني او موضوعهما فان كانت

او عكس الا و اف السراج و قسطه لا و قد يحا البصر  
وعلمتها و كذا في الكبري لنتج التوحيات مع الوجبة

امام حسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام

في سنة ثمان مائة وثمانين من الهجرة النبوية

هذا الكتاب من تراث الشيخ العلامة محمد باقر المجلسي

فان كان المكون في يد البعير الاول فعليه ان يقدّم المكون في الاول

...الملك ...

فمنه الفعل بضم الفاء المهملة وفتح الميم وضم النون  
الاولى والاصغر

مع جبينه الكريم ليدفع الفرج الاصفى في الدوحة فينزل من الخلق على الدنيا

[illegible]

حسن الله وجهه الموصوفين في البر والعباد والمؤمنين  
والمسلمين في الدنيا والآخرة آمين

الحیات و نبات و حیوان و جمیع المخلوقات

24

الشيخ الكافي سألته كتابه والمختلقتان في الكافي ايضا  
سألته جزيته بالخط او عكس الكبرى في المختلقتان

٢٤

الفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
او المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
لولا ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
الفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي

والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي

الفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
او المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
لولا ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
الفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي  
والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي

والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي

والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي

والفرق بينه وبين المختلقتان في الكافي  
ان المختلقتان كانتا من المختلقتان في الكافي









مختصر

دولت قضا و خراج حیران کا محض

نتیجہ سالہ جزئیہ فریقہ انوار و احادیث

مع السالمة  
لها مع الوجبة  
فوقه جريفة  
وجبة خان  
سلك  
يقطع  
وانتظروا  
الوضوء  
للاستحمام  
على اربع  
من الايدي  
ساعة  
موجبة  
للمية احد

وبالترتيب الى الثاني لعكس الضمير  
فان الثالث يعكس الكسر من

[illegible]

243



وضابطه من اية الاربعة انه لا يذاع من يفسر  
عموم موضوعه الا وسط مع علاقه للا

والربيع والى سبيل الكسب ان التمسك به  
مستحب **في** كسب الكسبي ولا كسب من كسب  
موضوعه ولا كسب من كسب موضوعه ولا كسب من كسب  
وهو الاجرة للادوية في فريضة كسب فريضة في الادوية  
والتي في فريضة **والاربعة** والاربعة في الفريضة  
استحب الجوز دون البواقي **في** فريضة كسب فريضة  
راية في فريضة كسب فريضة في كسب فريضة كسب فريضة  
استحب جربا **في** فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
على سبيل من كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
موضوعه الادوية كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
الثالث وكما في فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
الرابع وكسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة

او حله على الكسب والاعمال من موضوعه الكسب  
مع الاختلاف في الكسب

الادوية اي **في** فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
وكما في فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة  
كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة كسب فريضة

[illegible][illegible]



الحمد لله الذي جعل العلم نوراً

14

من قسمة دنانير  
مستحقك الحقوق  
في سنة ثمان  
الوقت المذكور  
وذا بقية  
من قسمة دنانير  
مستحقك الحقوق  
في سنة ثمان  
الوقت المذكور  
وذا بقية





[illegible][illegible]













تقسیم الی اربعین  
مبانی سوفیائی  
فائز و اوسط  
علاقہ تفریق  
و رونا و اوسط  
و رونا و اوسط  
و رونا و اوسط

[illegible]

المستورات

مع علمه للنبوة في الذم عليه لها في الواقع فلي ولا  
فان واما جد يانف من اليهودات والمسلات ولما  
خلفاني

[illegible]









51

کتابخانه

Handwritten text in a cursive script, likely a continuation of the previous page, starting with 'و اما'.

١٠٠  
 ١٠١  
 ١٠٢  
 ١٠٣  
 ١٠٤  
 ١٠٥  
 ١٠٦  
 ١٠٧  
 ١٠٨  
 ١٠٩  
 ١١٠  
 ١١١  
 ١١٢  
 ١١٣  
 ١١٤  
 ١١٥  
 ١١٦  
 ١١٧  
 ١١٨  
 ١١٩  
 ١٢٠  
 ١٢١  
 ١٢٢  
 ١٢٣  
 ١٢٤  
 ١٢٥  
 ١٢٦  
 ١٢٧  
 ١٢٨  
 ١٢٩  
 ١٣٠  
 ١٣١  
 ١٣٢  
 ١٣٣  
 ١٣٤  
 ١٣٥  
 ١٣٦  
 ١٣٧  
 ١٣٨  
 ١٣٩  
 ١٤٠  
 ١٤١  
 ١٤٢  
 ١٤٣  
 ١٤٤  
 ١٤٥  
 ١٤٦  
 ١٤٧  
 ١٤٨  
 ١٤٩  
 ١٥٠  
 ١٥١  
 ١٥٢  
 ١٥٣  
 ١٥٤  
 ١٥٥  
 ١٥٦  
 ١٥٧  
 ١٥٨  
 ١٥٩  
 ١٦٠  
 ١٦١  
 ١٦٢  
 ١٦٣  
 ١٦٤  
 ١٦٥  
 ١٦٦  
 ١٦٧  
 ١٦٨  
 ١٦٩  
 ١٧٠  
 ١٧١  
 ١٧٢  
 ١٧٣  
 ١٧٤  
 ١٧٥  
 ١٧٦  
 ١٧٧  
 ١٧٨  
 ١٧٩  
 ١٨٠  
 ١٨١  
 ١٨٢  
 ١٨٣  
 ١٨٤  
 ١٨٥  
 ١٨٦  
 ١٨٧  
 ١٨٨  
 ١٨٩  
 ١٩٠  
 ١٩١  
 ١٩٢  
 ١٩٣  
 ١٩٤  
 ١٩٥  
 ١٩٦  
 ١٩٧  
 ١٩٨  
 ١٩٩  
 ٢٠٠  
 ٢٠١  
 ٢٠٢  
 ٢٠٣  
 ٢٠٤  
 ٢٠٥  
 ٢٠٦  
 ٢٠٧  
 ٢٠٨  
 ٢٠٩  
 ٢١٠  
 ٢١١  
 ٢١٢  
 ٢١٣  
 ٢١٤  
 ٢١٥  
 ٢١٦  
 ٢١٧  
 ٢١٨  
 ٢١٩  
 ٢٢٠  
 ٢٢١  
 ٢٢٢  
 ٢٢٣  
 ٢٢٤  
 ٢٢٥  
 ٢٢٦  
 ٢٢٧  
 ٢٢٨  
 ٢٢٩  
 ٢٣٠  
 ٢٣١  
 ٢٣٢  
 ٢٣٣  
 ٢٣٤  
 ٢٣٥  
 ٢٣٦  
 ٢٣٧  
 ٢٣٨  
 ٢٣٩  
 ٢٤٠  
 ٢٤١  
 ٢٤٢  
 ٢٤٣  
 ٢٤٤  
 ٢٤٥  
 ٢٤٦  
 ٢٤٧  
 ٢٤٨  
 ٢٤٩  
 ٢٥٠  
 ٢٥١  
 ٢٥٢  
 ٢٥٣  
 ٢٥٤  
 ٢٥٥  
 ٢٥٦  
 ٢٥٧  
 ٢٥٨  
 ٢٥٩  
 ٢٦٠  
 ٢٦١  
 ٢٦٢  
 ٢٦٣  
 ٢٦٤  
 ٢٦٥  
 ٢٦٦  
 ٢٦٧  
 ٢٦٨  
 ٢٦٩  
 ٢٧٠  
 ٢٧١  
 ٢٧٢  
 ٢٧٣  
 ٢٧٤  
 ٢٧٥  
 ٢٧٦  
 ٢٧٧  
 ٢٧٨  
 ٢٧٩  
 ٢٨٠  
 ٢٨١  
 ٢٨٢  
 ٢٨٣  
 ٢٨٤  
 ٢٨٥  
 ٢٨٦  
 ٢٨٧  
 ٢٨٨  
 ٢٨٩  
 ٢٩٠  
 ٢٩١  
 ٢٩٢  
 ٢٩٣  
 ٢٩٤  
 ٢٩٥  
 ٢٩٦  
 ٢٩٧  
 ٢٩٨  
 ٢٩٩  
 ٣٠٠  
 ٣٠١  
 ٣٠٢  
 ٣٠٣  
 ٣٠٤  
 ٣٠٥  
 ٣٠٦  
 ٣٠٧  
 ٣٠٨  
 ٣٠٩  
 ٣١٠  
 ٣١١  
 ٣١٢  
 ٣١٣  
 ٣١٤  
 ٣١٥  
 ٣١٦  
 ٣١٧  
 ٣١٨  
 ٣١٩  
 ٣٢٠  
 ٣٢١  
 ٣٢٢  
 ٣٢٣  
 ٣٢٤  
 ٣٢٥  
 ٣٢٦  
 ٣٢٧  
 ٣٢٨  
 ٣٢٩  
 ٣٣٠  
 ٣٣١  
 ٣٣٢  
 ٣٣٣  
 ٣٣٤  
 ٣٣٥  
 ٣٣٦  
 ٣٣٧  
 ٣٣٨  
 ٣٣٩  
 ٣٤٠  
 ٣٤١  
 ٣٤٢  
 ٣٤٣  
 ٣٤٤  
 ٣٤٥  
 ٣٤٦  
 ٣٤٧  
 ٣٤٨  
 ٣٤٩  
 ٣٥٠  
 ٣٥١  
 ٣٥٢  
 ٣٥٣  
 ٣٥٤  
 ٣٥٥  
 ٣٥٦  
 ٣٥٧  
 ٣٥٨  
 ٣٥٩  
 ٣٦٠  
 ٣٦١  
 ٣٦٢  
 ٣٦٣  
 ٣٦٤  
 ٣٦٥  
 ٣٦٦  
 ٣٦٧  
 ٣٦٨  
 ٣٦٩  
 ٣٧٠  
 ٣٧١  
 ٣٧٢  
 ٣٧٣  
 ٣٧٤  
 ٣٧٥  
 ٣٧٦  
 ٣٧٧  
 ٣٧٨  
 ٣٧٩  
 ٣٨٠  
 ٣٨١  
 ٣٨٢  
 ٣٨٣  
 ٣٨٤  
 ٣٨٥  
 ٣٨٦  
 ٣٨٧  
 ٣٨٨  
 ٣٨٩  
 ٣٩٠  
 ٣٩١  
 ٣٩٢  
 ٣٩٣  
 ٣٩٤  
 ٣٩٥  
 ٣٩٦  
 ٣٩٧  
 ٣٩٨  
 ٣٩٩  
 ٤٠٠  
 ٤٠١  
 ٤٠٢  
 ٤٠٣  
 ٤٠٤  
 ٤٠٥  
 ٤٠٦  
 ٤٠٧  
 ٤٠٨  
 ٤٠٩  
 ٤١٠  
 ٤١١  
 ٤١٢  
 ٤١٣  
 ٤١٤  
 ٤١٥  
 ٤١٦  
 ٤١٧  
 ٤١٨  
 ٤١٩  
 ٤٢٠  
 ٤٢١  
 ٤٢٢  
 ٤٢٣  
 ٤٢٤  
 ٤٢٥  
 ٤٢٦  
 ٤٢٧  
 ٤٢٨  
 ٤٢٩  
 ٤٣٠  
 ٤٣١  
 ٤٣٢  
 ٤٣٣  
 ٤٣٤  
 ٤٣٥  
 ٤٣٦  
 ٤٣٧  
 ٤٣٨  
 ٤٣٩  
 ٤٤٠  
 ٤٤١  
 ٤٤٢  
 ٤٤٣  
 ٤٤٤  
 ٤٤٥  
 ٤٤٦  
 ٤٤٧  
 ٤٤٨  
 ٤٤٩  
 ٤٥٠  
 ٤٥١  
 ٤٥٢  
 ٤٥٣  
 ٤٥٤  
 ٤٥٥  
 ٤٥٦  
 ٤٥٧  
 ٤٥٨  
 ٤٥٩  
 ٤٦٠  
 ٤٦١  
 ٤٦٢  
 ٤٦٣  
 ٤٦٤  
 ٤٦٥  
 ٤٦٦  
 ٤٦٧  
 ٤٦٨  
 ٤٦٩  
 ٤٧٠  
 ٤٧١

[illegible]

الرابع الدولت كبر قلب المنعم

[illegible]







على غير ما في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
فمن كان له ثلث أو حواله في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي واليكيفية كذا في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
بقوله في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
الأقرب إلى الدليل والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
قياس من حيث لطلب كل باب ما يليق به  
اعتماد على الفطرية في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
والفطرية في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
فمن كان له ثلث أو حواله في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
بقوله في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
الأقرب إلى الدليل والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
قياس من حيث لطلب كل باب ما يليق به  
اعتماد على الفطرية في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به

الغالب

القياس من حيث لطلب كل باب ما يليق به  
ثم القياس من حيث لطلب كل باب ما يليق به  
مؤكس في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
بقوله في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
الأقرب إلى الدليل والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
قياس من حيث لطلب كل باب ما يليق به  
اعتماد على الفطرية في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
والفطرية في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
فمن كان له ثلث أو حواله في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
بقوله في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
الأقرب إلى الدليل والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
قياس من حيث لطلب كل باب ما يليق به  
اعتماد على الفطرية في التوب لطلب كل باب ما يليق به  
أشبهه بالثوب الكسبي والتجديد في التوب لطلب كل باب ما يليق به

٢٢٢



بشت مهرات او المسمات او المشبهات ولا تدرى  
 بنى بجزء من الظن به لو بمنزلة يجمع منه خبر لا يقع في  
 مضيق الخطاب ولا يترتب بطريق التأكيد وهذا المقام  
 يشبه ان الامور من اشبه بقصد الفهم من مقتضات  
 ولذا تارة الساترين كصاحب المطالع يوردون ما لو  
 التمديد في مبحث الحجة ولو احق القياس واما الحجة  
 فثبت به ان يذكر في مبحث المعرف وقيل هذا اثر  
 كونه الى العمى وكونه يشبه بالمقصود طبع المقصود  
 من العلم بعد جهل الله واما كفى في الحجة في الامور في وقتها  
 بقصد وجهه معادة الدارين كفى في مختصر البرية الجعبي  
 الى وعرة الظاهر من انه خبر موقفي ومعي قد انقضت  
 من الى الشبهة للرسالة التمهيد الفاعلة في تنقيح المسائل  
 المطلقة التصورية والتمهيد بقرينة في بعض الاقسام  
 بتوفيق الله العليم والتمهيد في الامور في البيت اول  
 من الرتبة الاول في سنة ١٢١٢ هـ بحمد النور العاكس



کتابخانه مجلس شورای ملی  
 تهران





خطی اهدائی

۵